

راهزنی می‌شوند در دادگاههای نظامی تعقیب و دادرسی میشوند و رسیدگی و تعقیب سرقت هائیکه با اسلحه در شهرها و قراء و قصبات میشد در صلاحیت دادگاههای عمومی بود ولی قانون جدید دادرسی ارتش علاوه بر موضوع راهزنی در طرق و شوارع تعقیب سایر سرقتهای مسلحانه را هم که در غیر طرق و شوارع صورت میگیرد در صلاحیت دادگاههای نظامی تشخیص داده و ضمن ماده ۴۱۰ اینطور مقرر داشته است:

« هر سارقی که حامل سلاح بوده و در غیر طرق و شوارع از قبیل دهات و قراء و قصبات یا شهرها یا توابع آنها مرتکب سرقت بشود بترتیب پائین محکوم میشود:

الف - هر گاه سرقت در شب واقع شده و یا مقرون با آزار یا تهدید باشد بحسب باکار از سه تا پانزده سال

ب - چنانچه سرقت در روز واقع شده باشد بحسب عادی از ششماه تا سه سال »

بنابراین از تاریخ اجرای قانون نامبرده رسیدگی بموضوع سرقتهاائیکه در شهرها و دهات و قصبات و توابع آنها میشود از صلاحیت دادگاه های عمومی خارج و بایستی بوسیله دادگاه های نظامی تعقیب و رسیدگی شود. حسن معاصر

دیگر اختلاف عقیده بین بازپرس های دادگستری و نظامی در قانون اصول محاکمات جزائی و قانون محاکمات نظامی پیش بینی نشده است. هر چند رویه قضائی تا کنون بر این بوده است که در مورد حصول اختلاف عقیده بین باز پرس های نظامی و دادگستری هم مطابق روح عمومی قانون باستناد حکم ماده ۲۰۴ قانون نامبرده به دیوان کشور رجوع میشده است ولی بهر حال در ماده ۲۷۷ و ۲۷۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش این موضوع نیز بشرح پائین پیش بینی شده است:

ماده ۲۷۷ - در مواردی که بین دادگاه های نظامی و دادگاههای دادگستری یا بین بازپرس های نظامی و باز پرس های دادگستری راجع به صلاحیت اختلاف عقیده حاصل شود در رفع اختلاف و تشخیص صلاحیت بادیوان کشور است.

ماده ۲۷۸ - در مورد ماده قبل دیوان کشور در صورت احتیاج توضیحات لازم از اداره دادرسی ارتش خواسته و پس از رسیدگی رأی مقتضی صادر می نماید.

۸ - سرقت مسلحانه در غیر طرق و شوارع مطابق قانون مجازات قطاع الطريق مصوب ۹ خرداد ماه ۳۱۰ که از تاریخ اجرای قانون دادرسی و کیفر ارتش (۱۵ فروردین ماه ۱۳۱۹) منسوخ است فقط کسانی که در طرق و شوارع بنحوی از انحاء مرتکب

اخذ تأمین

از اتباع خارجه

درخواست طرف برای تأدیه خسارتی که از بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله ممکن است بآن محکوم گردند باید تأمین دهند الخ. در موضوع این ماده میتوان

بموجب ماده ۲۱۸ قانون آئین دادرسی مدنی اتباع دولت های خارجه اعم از اینکه مدعی اصلی باشند و یا بعنوان شخص ثالث وارد دعوی گردند در صورت

و میگویند داشتن سمت رسمی که موجب مصونیت سیاسی میشود بهیچ وجه مانع از دادن تأمین در امور حقوقی نخواهد بود. در صورتیکه نماینده سیاسی بطرفیت یکی از اتباع کشوری که در آنجا مقیم است. بدادگاه محلی شکایت کند مثل این است که در این مورد بخصوص از سمت رسمی خود صرف نظر کرده و بنا بر این قبول درخواست تأمین علیه نماینده منافاتی با سمت رسمی او نخواهد داشت و علاوه در دعاوی مطروحه از طرف نمایندگان خارجه خواننده بدرخواست تأمین بیشتر احتیاج دارد زیرا اجرای حکم بر ضرر اشخاصی که مصونیت سیاسی دارند غالباً بـموانع و مشکلاتی تصادف مینماید.

اعمال

بعضی معتقدند که خواهان در صورتیکه معسر باشد از دادن تأمین معاف باید بشود و از معاضدت قضائی باید استفاده کند زیرا عدم قبول دادخواست و یا جلو گیری از جریان آن مستلزم تقویت حق او خواهد بود و بعض دیگر این عقیده را شدیداً انتقاد نموده میگویند حق استفاده از معاضدت قضائی که باتابع خارجه داده شده محدود بهزینه های خاصی است که خواهان معسر با عدم تمکن از پرداخت آنها ممکن است از استیفای حق خود محروم بماند و ابداً بموضوع مباحوث عنه سرایتی ندارد و نمیتوان تابع خارجی را که يك یا چند نفر از اتباع داخله را بجهت بداد گستری دعوت کرده و موجبات زحمت و خسارت آنها را فراهم نموده بعنوان معاضدت قضائی از جبران این خسارت معاف دانست مگر اینکه در این خصوص بین دولت متبوع خواهان تابع خارجه و دولت متبوع خواننده قرارداد منعقد شده باشد. قانونگذار ایران نظر اول را اختیار نموده و بند ۳ از ماده ۶۹۴ قانون آئین دادرسی مدنی میگوید: مدعی معسر در صورتیکه از اتباع خارجه باشد از دادن تأمین معاف خواهد شد.

بشرح زیر پرسش هائی نمود:

۱ - چه اشخاصی می توانند درخواست تأمین کنند.

۲ - چه اشخاصی باید تأمین بدهند.

۳ - در چه موقع و چه مرحله از مراحل دعوی میتوان تأمین خواست.

۴ - برای چه نوع خسارت تأمین گرفته می شود.

چه اشخاصی میتوانند درخواست تأمین نمایند
حق درخواست تأمین از کسیکه سمت خواهان دارد و از اتباع خارجه هم هست حتی است از حقوق مدنی و مختص خواننده ایست که تابعیت ایران را دارد و بنا بر این هر گاه طرفین دعوائی (که در دادگاه ایران مطرح است) از اتباع خارجه باشند خواننده نمی تواند برای جبران خسارت احتمالی از خواهان تأمین بخواهد.

چه اشخاصی باید تأمین بدهند

اتباع خارجه اعم از اینکه مدعی اصلی باشند و یا بعنوان شخص ثالث وارد دعوی گردند. و البته مناط در تابعیت خواهان تابعیت در تاریخ اقامه دعوی میباشد و بنا بر این هر گاه قبل از تاریخ مزبور مورد دعوی اثر و یا در اثر معامله بیک نفر از اتباع ایران منتقل شود مطالبه تأمین بـمورد خواهد بود و برعکس خواهانی که در تاریخ منشاء دعوی تابع ایران بوده و قبل از تاریخ اقامه دعوی به تبعیت خارجه در آمده باید تأمین بدهد و همین حکم جاری خواهد بود هر گاه تابع خارجه در اثر وراثت یا نقل و انتقال جانشین خواهان ایرانی شده باشد.

هر گاه نماینده سیاسی و یا یکی از اشخاص دیگر که مصونیت سیاسی دارند در ایران بطرفیت یکی از اتباع این کشور بخواهد اقامه دعوی کند آیا باید تأمین بدهد یا نه؟ اکثر محققین باین پرسش پاسخ مثبت می دهند

تجدید و یا تمدید دفاعی است که در مرحله بدوی بعمل آمده و اجبار پژوهش خواه بدادت تأمین در واقع جلوگیری است از دادخواهی او در درجه دوم دادرسی یعنی از حقوق طبیعی خود که عبارت از حق تعقیب دعوی است در تمام مراحل قانونی.

همین حکم نیز جاری است در موردیکه شخص تابع دولت خارجی بر حکم غیابی اعتراض نماید ولی هر گاه شخص مذکور در دادگاه نخستین سمت خواهان داشته و حکم بر نفع او صدور یافته پژوهش خواه که دارای تابعیت ایرانی است در مرحله مزبوره می تواند از او تأمین بخواهد و همین ترتیب در مورد اعاده دادرسی و دادخواهی فرجامی نیز لازم الرعایه می باشد و بنابراین خواننده از اتباع ایران در موقع اعاده دادرسی و رسیدگی فرجامی میتواند از طرف خود که از اتباع خارجه میباشد تأمین بخواهد بشرطیکه شخص اخیر الذکر در دادگاه نخستین سمت مدعی داشته باشد. راجع پیرش های سوم و چهارم در یکی از مقالات دیگر گفتگو خواهد شد.

وحدت

عبارت اتباع خارجه در ماده ۲۱۸ فوق الذکر باشخاص معنوی نیز شامل است و بنابراین شرکتهای خارجی نیز در صورتیکه بطرفیت اتباع ایران اقامه دعوی نمایند در حکم افراد خارجی میباشند.

اتباع خارجه که بعنوان شخص ثالث وارد دعوی می شوند.

بدیهی است که ورود بدعوی باید اختیاری باشد و بنابراین از مجلوب ثالث در صورتیکه از اتباع خارجه باشد نمیتوان درخواست تأمین نمود. ورود بدعوی در یکی از دو صورت زیر اختیاری محسوب است:

۱- هر گاه شخص اختیاراً وارد دعوی شده و بخواهان اصلی ملحق شود.

۲- هر گاه مقصود از ورود بدعوی مستقلاً اظهار حق باشد نسبت بمالیکه بین متداعیین موضوع دعوی میباشد بدون قصد حقوق یکی از متداعیین.

غالب مؤلفین بر آنند در صورتیکه مدعی علیه از اتباع خارجه بوده و در مرحله بدوی محکوم شده و پژوهش خواسته باشد پژوهش خواننده نمی تواند از او درخواست تأمین نماید زیرا دعوی پژوهش در واقع

شرایط تشکیل عقد نکاح

مقایسه بین حقوق ایران و فرانسه و فقه اسلامی

اشتباه یا تدلیس و یا ضرر - پس میتوان گفت که نسخ در حقوق ایران شبیه به «بطلان نسبی» است در حقوق فرانسه ولی این شباهت کامل نیست یعنی از نظر شرایط و موارد استعمال بین آن دو اختلافات زیادی موجود است

II - «اشتباه یا تدلیس» در حقوق ایران

قانون مدنی ایران در باب عقود از خیارات فسخ گفتگو میکند (مواد ۳۹۶ - ۴۵۷ قانون مدنی ایران) فسخ عبارت از ابطال عقداست (بدون اثر قهرائی) بعلمت